



کتابخوانی در روسیه در عصر دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی

نوشته: استلماخ، و. د.^۱

ترجمه: نجلا حریری^۲

مقدمه:

کشور، تغییرات ناگهانی حاصل شده، آهنگ ملتهبی به زندگی اجتماعی بخشیده است.

فرهنگ، حافظ ارزش‌ها و تجارب اجتماعی هر جامعه است؛ و این ویژگی حفاظت‌کننده سبب می‌شود در مقابل تغییر و نوآوری به نحو اجتناب‌ناپذیری محکم و نفوذناپذیر باشد. علی‌رغم این واقعیت، روسیه در سال‌های اخیر تغییرات فرهنگی عمیقی را در یک مقطع زمانی کوتاه تجربه کرده است؛ تغییراتی که نوآوری‌های جزئی و حاشیه‌ای نبوده‌اند. آنچه که اتفاق می‌افتد دگرگونی در قلب فرهنگ است که انعکاس آن در کلیه سازمان‌های سیاسی و اقتصادی مشاهده می‌گردد. این جریان را می‌توان تجزیه سریع نظام شوروی و ایدئولوژی رسمی آن دانست. موقعیت جدید فرهنگی از دو دیدگاه برای ما حائز اهمیت است: نخست تغییر فرهنگ غالب و ارزش‌ها و اهداف جامعه؛ دوم ظهور یک سیستم جدید در توزیع سازمان‌های فرهنگی.

تغییر در رفتار مطالعه‌کنندگان

بررسی رفتار کتابخوانی تنها زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که آن را به عنوان جنبه‌ای از رفتار اجتماعی، و در اینجا رفتار اجتماعی پس از فروپاشی شوروی، در نظر بگیریم. فروپاشی نظام شوروی نه فقط ساختارهای سیاسی و اقتصادی، بلکه نظام ارزشی جامعه را نیز تحت تأثیر قرار داد. همزمان با تقییح نمادهای متعلق به ایدئولوژی رسمی حاکم، پاشیدگی ارزش‌های بنیادی مانند کار، آموزش و پرورش و هویت ملی و غیره نیز که بکپارچگی جامعه شوروی و هدایت آن به سوی رشد اجتماعی را سبب می‌شد، آغاز گردید. ویرانی این ارزش‌های بنیادی با تغییراتی در ارزش‌های ثانوی همراه بود. برخی از این ارزش‌ها چنان از ارزش‌های بنیادی فاصله گرفتند که حالت ضدارزش را یافتند (مانند ارزش‌های گروه‌های

تحلیل و بررسی دگرگونی‌هایی که در حال حاضر در روسیه جریان دارد نمی‌تواند با روند واقعیت‌های موجود همگام گردد. فرآیندهای اجتماعی با چنان سرعتی در حال تحول هستند که هرگونه تلاش برای بررسی و تحلیل نظری یا تجربی آنها از زمان عقب می‌ماند؛ به همین سبب، گزارش‌هایی که در مورد روسیه تهیه می‌گردند چنانچه به سرعت منتشر نشوند ارتباط خود را با وضع موجود تا حد زیادی از دست می‌دهند. افزون بر این، پژوهشگران نه تنها شاهد وقایع سیاسی و فرهنگی مهمی که در اطرافشان اتفاق می‌افتد، هستند، بلکه خود در این جریان‌ها شرکت دارند و این امر موجب به مخاطره افتادن عینیت و بی‌طرفی آنها در کار پژوهش می‌گردد؛ و در شرایطی که جامعه از نظر ایدئولوژی دچار تضاد است ارزش‌های شخصی پژوهشگر، تحلیل‌های وی را به نحو اجتناب‌ناپذیری تحت تأثیر قرار می‌دهد. این جنبه‌های ویژه باید در ارزیابی یافته‌ها و نتایج طرح‌های پژوهشی اجرا شده در شرایطی مانند آنچه در روسیه امروز جریان دارد، در نظر گرفته شود. این مقاله بر آن نیست که چشم‌انداز جامعی از وضعیت کتاب را در روسیه امروز ارائه دهد، بلکه برخی جنبه‌های رفتار کتابخوانی جامعه را که به نظر نویسنده حائز اهمیت است بیان خواهد کرد.

دوره پس از شوروی را که از پرسترویکای گورباچف ریشه می‌گیرد، نمی‌توان یک دوره تاریخی یکنواخت به شمار آورد. این دوره از نظر تاریخی شامل حداقل دو مرحله است؛ اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰؛ که این مراحل چه از نظر ویژگی‌های کلی و چه از لحاظ سرعت تغییرات فرهنگی و اجتماعی با یکدیگر متفاوت هستند. باید این نکته را در نظر داشت که دگرگونی‌های اجتماعی این دوره با چنان سرعت جهش گونه‌ای صورت گرفته که به جای مدرنیزه شدن تدریجی



خطاکار). در شرایطی مانند موقعیت امروز روسیه هنگامی که ساز و کارهای حامی فرهنگ صدمه می‌بینند، این ارزش‌های ثانوی و خُرده فرهنگ‌ها می‌توانند با اعمال فشارهای شدید به هسته مرکزی فرهنگ، آن را تغییر داده با خواست‌های خود منطبق سازند و در نتیجه جامعه را به مسیرهای دلخواه خود هدایت کنند.

تغییر مسیر علایق و اولویت‌های مطالعه خوانندگان که در اوایل دهه ۹۰ به ظهور رسید با همین فرآیندها که اشاره گردید در ارتباط است. این تغییر انعکاسی است از دگرگونی فرهنگ غالب در جامعه روسیه، یعنی تغییر نقش و موقعیت گروه‌هایی که از نظر فرهنگی دعوی برتری دارند. نخبگان فرزانه به خصوص روشنفکران انسان‌گرایی که سالها تعیین‌کننده الگوهای فرهنگی و هنجارهای فکری جامعه بودند، در حال حاضر اعتبار خود را از دست می‌دهند و به همراه آنها ارزش‌ها و نمادهای پیشین فرهنگ ادبیات مدار نیز صحنه اجتماعی را ترک می‌کنند و ما این را در کاهش اعتبار ادبیات در روسیه به عینه می‌توانیم ببینیم. (۱)

در جامعه مادی شوروی که کلیه نهادهای حامی ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی (به خصوص کلیسا) سرکوب شده بودند، جایی که نظام اطلاع‌رسانی بی‌طرفی وجود نداشت و جای هرگونه تبعی در تاریخ، فلسفه و اقتصاد خالی بود، ادبیات رسالت انتقال احکام اخلاقی و حقایق جاودانه را به تنهایی برعهده داشت. در سالهای قدرت شوروی، مردم رهایی معنوی را تنها در کتاب می‌یافتند و در آغاز پرسترویکا این ادبیات بود و نه وسایل ارتباط جمعی که ایده‌های دموکراسی و اصلاحات اجتماعی را متجلی می‌ساخت. در دهه ۹۰، توسعه طبیعی نظام‌های اجتماعی و اطلاعاتی مختلف، که از سلطه سانسور و دیکتاتوری دولتی آزاد شده بودند، این نقش مسیحایی را از ادبیات ستاند. پس از دو قرن فرهنگ روسیه برای اولین بار از حرکت در مسیر ادبیات باز ایستاد؛ و این گواهی است بر دگرگونی الگوهای فرهنگی و ظهور گروه‌های جدید فرهنگی که نمادها و ایده‌های متفاوتی را ترویج می‌کنند.

رفتار کتابخوانی در حال حاضر می‌تواند ضدادبی خواننده شود. در تاریخ روسیه پیش از این نیز دوره‌های مشابهی وجود داشته است که توسط برخی پژوهشگران بررسی و تبیین شده است. (۲) پدیده‌ای که هم‌اینک در جریان است به وسیله داده‌های بسیاری تأیید می‌شود. یکی از این شواهد مستدل

تغییر وضعیت مطالعه و جایگاه آن در مقیاس ارزش‌های فرهنگی است. در نظر سنجی‌هایی که در دهه‌های گذشته انجام می‌گرفت، معمولاً از مردم پرسیده می‌شد: بهترین راه وقت‌گذرانی شما چیست؟ یا اگر وقت بیشتری داشتید در اوقات فراغت خود چه می‌کردید؟

داده‌هایی که بدین طریق بدست می‌آمد به جای اینکه عادت‌های گروه‌های مختلف را بازگو کند، اعتبار فعالیت‌های مختلف اوقات فراغت را نشان می‌داد. اکثریت پاسخ‌دهندگان (۸۰ - ۷۰ درصد) از جمله گروه‌هایی که به ندرت مطالعه می‌کنند، مطالعه را اولین انتخاب خود ذکر می‌کردند. مطالعه همواره در رأس اولویت‌های فرهنگی قرار داشت (۳) و به عنوان یک نماد مهم فرهنگی مطرح بود.

نظر سنجی‌های اخیر که سوالات مشابهی را مطرح می‌کرد نشان داد که پاسخ‌دهندگان فعالیت‌های پیش پا افتاده‌ای را که جنبه عملی دارند نام می‌برند مانند تماشای تلویزیون، مشاغل ثانوی، باغبانی و غیره. البته مطالعه هنوز هم جزء فهرست است ولی دیگر به عنوان نمادی از فرهنگ متعالی مطرح نیست و جزئی از زندگی روزمره شده است.

در اینجا مرور اطلاعاتی که در مورد همراهی مطالعه با سایر فعالیت‌ها جمع‌آوری شده، خالی از لطف نیست. جامعه‌شناسانی که در زمینه گذران اوقات شهروندان شوروی در سالهای ۷۰ - ۱۹۶۰ تحقیق می‌کردند دریافته‌اند که به دلیل سرعت گرفتن روند زندگی این گرایش وجود دارد که فعالیت‌های گوناگون با یکدیگر ترکیب شوند. البته در این میان، مطالعه استثنا برقاعده بود. به نظر می‌آمد که مطالعه باید بدون همراهی با فعالیت‌های دیگر انجام شود و غیرممکن است که در حال مطالعه، مثلاً اطلاعات دیداری - شنیداری را نیز جذب نمود و انتخاب یکی از کانال‌های اشاعه فرهنگ به معنی دست رد زدن به کانال‌های دیگر در آن زمان معین است. (۴)

امروز می‌توان گفت تصویر شاعرانه خواننده‌ای که در سکوت اطاق مطالعه بر روی کتاب خم شده کاملاً از اذهان محو شده است. یک نظر سنجی که در سال ۱۹۸۸ از جمعیت ۲۴ شهر روسیه به عمل آمد و ۶۳۶۸ نفر به آن پاسخ دادند، نشان داد که ۵۶/۸ درصد از پاسخ‌دهندگان، مطالعه را همراه با سایر فعالیت‌ها انجام می‌دهند و ۱/۹ درصد جمعیت فقط به همین طریق مطالعه می‌کنند. (۵) رایج‌ترین نوع ترکیب مطالعه با سایر فعالیت‌ها، مطالعه در وسایل نقلیه عمومی (۲۰/۳)



بود (۵ نفر از ۱۵۰۰ پاسخ دهنده) و از نویسندگان خارجی اسامی دریسر^۸، اسکات^۹، رید^{۱۰} و سند^{۱۱} به چشم می‌خورد. در آخرین نظرسنجی از جمعیت شهری که توسط VTZIOM در ژوئن ۱۹۹۴ انجام گرفت از پاسخ دهندگان خواسته شد که عناوین کتابهایی را که در آن سال خریداری کرده‌اند ذکر نمایند. تنها ۸ درصد از کل تعداد ۲۰۰۶ پاسخ‌دهنده عناوین کلاسیک را نام بردند. این واقعیت زمانی اهمیت خود را بیشتر نشان می‌دهد که ببینیم کتاب‌های کلاسیک در سال‌های پیشین فروش بسیار بالایی داشتند و حتی اگر مطالعه هم نمی‌شدند اساس کتابخانه‌های خانگی را تشکیل می‌دادند و صرف تملک این کتابها راهی برای نشان دادن تبعیت خانواده از سنت ادبی به رسمیت شناخته شده جامعه بود.

با این حال، اطلاعاتی که در مورد رفتارهای واقعی کتابخوانی به دست می‌آید نمی‌تواند مدرک مسلمی برای نفی سنت ادبی روسیه تلقی گردد. سهم واقعی ادبیات کلاسیک در کتابخوانی شوروی مسلماً آن اندازه زیاد نبوده است که فروش فراوان این کتابها نشان می‌دهد؛ و این تصور که خواننده عادی شوروی دائماً در حال خواندن و دوباره خواندن کتابهای جنگ و صلح یا برادران کارامازوف بوده، به دور از واقعیت است. چنین تصویری مخلوق روشنفکران و مبین ارزش‌ها و اهداف گروه‌های ادبی بود. آنچه که بیشتر اهمیت دارد این واقعیت است که در این دوره مورد بررسی، نگرش عمومی نسبت به ادبیات کلاسیک تغییر یافته است. در دهه‌های گذشته نیز این ادبیات به طور وسیع مطالعه نمی‌شد ولی همه معتقد بودند که مطالعه ادبیات کلاسیک نه تنها سودمند است بلکه طبیعی و ضروری است. آنهایی که آشکارا بی‌علاقگی خود را به پوشکین^{۱۲} ابراز می‌کردند یا تولستوی را نویسنده بزرگی نمی‌دانستند، بسیار اندک بودند. پاسخ سؤالاتی مانند آیا به مطالعه ادبیات کلاسیک علاقه دارید؟ آیا ادبیات کلاسیک پیش از انقلاب را مطالعه می‌کنید همواره از سوی ۸۰ - ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان مثبت بود. (۸) در سال ۱۹۸۸ در یک نظرسنجی در ۲۴ شهر روسیه از ۶۳۶۸ نفر سؤال شد که به خرید چه عناوینی برای کتابخانه شخصی خود بیشتر علاقه‌مند هستند. در بین ۲۰ نویسنده برجسته‌ای که نام برده شد اسامی نویسندگان معتبر ادبیات روسیه مانند تولستوی، پوشکین، چخوف و لرماتوف^{۱۳} نیز به چشم می‌خورد. (۹) این یافته‌ها نشان می‌دهد که شأن نمادین ادبیات به عنوان یک هنجار

درصد)، در حال غذاخوردن (۱۹/۲ درصد)، در حال تماشای تلویزیون (۱۹ درصد)، در حال کارکردن در منزل (۱۵/۱ درصد)، در صف (۷ درصد) در محل کار (۸/۹ درصد) و در حال قدم زدن (۵/۵ درصد) است. (۶) تبدیل مطالعه به یک فعالیت مکمل می‌تواند از یک سو به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز جامعه مدرن در نظر گرفته شود؛ جامعه‌ای که وقت در آن به قدری کم است که به خودی خود ارزش پیدا می‌کند. از سوی دیگر این تبدیل نشان دهنده یک سنت فرهنگی مهم است: مطالعه دیگر یک فعالیت خود بسنده و یک عملکرد فرهنگی قوی نیست، بلکه با شیوه زندگی جوامع مختلف تطبیق می‌یابد و خود جزئی از این شیوه زندگی می‌شود و البته یک جزء اختیاری.

- کاهش اهمیت ادبیات کلاسیک

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های تغییر مسیر علایق خوانندگان، دگرگونی نگرش آنها نسبت به ادبیات کلاسیک است که همواره اصلی‌ترین جزء فرهنگ ادبی بوده است. پژوهش‌های انجام شده در طی سالهای ۸۰ - ۱۹۶۰ نشان داد که ادبیات کلاسیک موقعیت برتر خود را در بین علایق مطالعه‌ای شهروندان شوروی حفظ نکرده است. البته دانش‌آموزان به دلیل داشتن عناوین کلاسیک در برنامه درسی، از این قاعده مستثنی بودند. در یک نظرسنجی از جمعیت شهری روسیه که در سال ۱۹۶۹ توسط بخش جامعه‌شناسی کتاب و مطالعه کتابخانه لنین به عمل آمد، مشخص شد که ادبیات کلاسیک تنها ۱۰ درصد از عناوین کتاب‌هایی را که پاسخ‌دهندگان در آن تاریخ مطالعه می‌کردند، تشکیل می‌دهد. (۷)

بررسی‌هایی که در دهه ۹۰ انجام گرفته نشان می‌دهد که عناوین کلاسیک به کلی از مطالعات مردم حذف شده‌اند. یک نظرسنجی از جمعیت روسیه که در سال ۱۹۹۱ توسط VTZIOM^{۱۴} انجام گرفت نشان داد که در میان عناوینی که در آن تاریخ مطالعه می‌شد تنها دو مورد ادبیات کلاسیک وجود دارد. یک کتاب از داستایوسکی^{۱۵} (۶ نفر از مجموع ۳۲۱۴ پاسخ‌دهنده) و داستانهایی از چخوف^{۱۶} (۳ پاسخ‌دهنده). پژوهش در مورد کتابهای درخواستی خوانندگان از کتابخانه‌های عمومی نیز که توسط بخش جامعه‌شناسی کتاب و مطالعه کتابخانه ابالتی روسیه در ۱۹۹۲ انجام گرفت نتایج مشابهی داشت. در فهرست نویسندگان کتاب‌هایی که بیشتر مطالعه می‌شدند به نام‌های تولستوی^{۱۷} و بولگاکف^{۱۸} اشاره شده



فرهنگی به رسمیت شناخته شده حتی تا سال ۱۹۸۸ نیز وجود داشته است. کاهش فروش ادبیات کلاسیک که در بررسی ۱۹۹۴ آشکار شد، حاکی از این بود که چگونه آن هنجارها در مدت زمانی کمتر از یک دهه دگرگون شده‌اند.

- رواج فرهنگ عامه و اثرات آن

ویژگی بسیار مهم عصر حاضر رشد بی‌سابقه علاقه به فرهنگ عامه است. تأثیرات فرهنگ عامه در کشورهای صنعتی در مدت چندین دهه رشدی تدریجی داشته است و حکومت‌های محلی و ملی برای تدارک امکانات جهت غلبه بر قدرت و محدود کردن دایره آن زمان کافی داشته‌اند. اما پس از فروپاشی شوروی فرهنگ عامه روسیه را مورد تهاجم قرار داد و در مدت ۵ تا ۷ سال اخیر به فضای فرهنگی آن مستولی شد. اکثر مردم طعم این پدیده ناآشنا را زمانی چشیدند که هنجارهای فرهنگی سابق ارزش خود را از دست داده بودند و جامعه ساز و کارهای حفاظت‌کننده‌ای که انتشار آن را محدود سازد در اختیار نداشت.

نمی‌توان انکار کرد که اتحاد جماهیر شوروی نیز فرهنگ عامه خود را داشت، ولی این فرهنگ از نوع کاملاً ویژه‌ای بود. هدف آن به جای ایجاد سرگرمی و تأمین آرامش روانی که رسالت اصلی فرهنگ عامه است، سستشوی مغزی جامعه به منظور جایگزین کردن ایدئولوژی کمونیستی بود. نمونه‌های ادبی فرهنگ عامه شوروی داستان‌هایی است که در خدمت ایدئولوژی حاکم بود و از نمادهای سیاسی - فرهنگی از نوع "دوست یا دشمن" استفاده می‌کرد. این ادبیات مدافع سرسخت کار برای بهتر زیستن بود و سرگرمی و تفریح را تأیید نمی‌کرد؛ و از این رو کاملاً مغایر با قاعده معمول فرهنگ عامه بود. بدین ترتیب ادبیات عامه شوروی داستانهای تخیلی بدی بودند که در سطح وسیعی منتشر می‌شدند. برخی از انواع فرهنگ عامه سنتی به کلی از صحنه حذف شده بود؛ از آن جمله داستانهای زنان، داستانهای طنز، وسترن و غیره. داستانهای جنایی، علمی و ماجراجویی نیز کاملاً محدود بود. این عناوین تنها در بازار سیاه به قیمتی معادل حقوق متوسط ماهانه یافت می‌شد. توزیع تولیدات فرهنگ عامه خارجی نیز ممنوع بود و این محصولات تبلیغی برای ایدئولوژی بورژوازی و شیوه زندگی سرمایه‌داری تلقی می‌گردید.

در حال حاضر نوعی فرهنگ عامه محلی روسی در حال شکل‌گیری است. تعداد نمونه‌های وارداتی از تمام انواع در حال افزایش است. براساس اطلاعات VTZIOM پرتعدادترین برنامه‌های تلویزیونی سریال‌های خارجی هستند که مورد توجه ۷۷ درصد از پاسخ‌دهندگان به همه‌پرسی بوده‌اند. از این گروه ۶۲/۷ درصد افراد تولیدات امریکای لاتین، ۵۱/۵ درصد تولیدات استرالیا و امریکا و ۲۶/۵ درصد سریال‌های روسی را ترجیح می‌دادند. ۱۰/۸ درصد افراد نیز هیچکدام از این برنامه‌ها را تماشا نمی‌کردند. (۱۰) برنامه امریکایی سانتابارا در مدت دو سالی که پخش می‌شد چند میلیون نفر از تماشاگران را مقابل صفحات تلویزیون میخکوب کرده بود و دیدار هنرپیشگان سریال‌ها از روسیه در اکتبر ۱۹۹۴ واقعه‌ای بود که اهمیت ملی یافت.

چنین روندی را در مطالعه نیز می‌توان مشاهده کرد. نتایج یک نظر سنجی که از استفاده‌کنندگان کتابخانه‌های عمومی چند ناحیه در تابستان ۱۹۹۴ انجام گرفت در جدول شماره ۱ آمده است.

این نکته را باید در نظر داشت که دانش‌آموزان بخش بزرگی از استفاده‌کنندگان کتابخانه‌ها را تشکیل می‌دهند. این مسئله تصویر کلی درخواست‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بدین معنی که آثار کلاسیک روسی، کتابهای ادبی، ریاضیات و زبان عمدتاً توسط این گروه درخواست شده است. به همین دلیل اطلاعاتی که از نظرسنجی در مورد کتابهای خریداری شده جمع‌آوری گردیده به نظر عینی‌تر می‌رسد. این اطلاعات به ما می‌گوید که مردم در این شرایط دشوار اقتصادی حاضرند پول خود را به خرید چه کتابهایی اختصاص دهند (جدول شماره ۲).

همانطور که ملاحظه می‌گردد انواع ادبیات عامه و سرگرم‌کننده سنتی نه تنها در رأس فهرست قرار دارند بلکه اکثریت کتاب‌های خریداری شده و مورد درخواست را تشکیل می‌دهند. و این به طور کلی هسته اولویت‌ها در مطالعه را نشان می‌دهد.

از بین ده نویسنده مشهور دهه ۹۰ کتابهای نویسندگان ذیل همواره مورد درخواست بوده‌اند: چیس^{۱۴}، کریستی^{۱۵}، دوما^{۱۶}، گولن^{۱۷} (نویسنده داستانهای ماجراجویی آنجلیکا)، باروز^{۱۸} (تارزان)، مک‌گالو^{۱۹} (پرنده خارزار) و میچل^{۲۰} (بر باد



جدول شماره ۱- توزیع پاسخها به پرسش: "برای امانت گرفتن چه کتابهایی به کتابخانه مراجعه کرده‌اید؟"

کتابها	درصد پاسخ دهندگان
داستانهای جنایی.....	۱۳
داستانهای علمی - تخیلی.....	۷/۴
داستانهای ماجراجویی.....	۶/۲
کتابهای تاریخی.....	۸/۵
رمانهای عشقی و ملودرام.....	۵/۱
کتابهای مربوط به خانه و خانواده.....	۴/۵
کتابهای روانشناسی.....	۴/۴
رمانهای تاریخی.....	۳/۷
کتابهای فلسفی.....	۳/۱
داستانهای کلاسیک روسی.....	۲/۵
کتابهای ادبی.....	۲/۴
کتابهای اقتصاد.....	۲/۳
کتابهای قانون.....	۱/۹
کتابهای پزشکی.....	۱/۸
کتابهای فضایی، سحر و جادو.....	۱/۷
ادبیات مدرن خارجی.....	۱/۳
کتابهای ریاضی.....	۰/۸
کتابهای مربوط به محیط زیست.....	۰/۷
داستانهای ترسناک.....	۰/۷
خاطرات جنگ جهانی دوم.....	۰/۲

فرهنگ عامه سخن بگویم به گزاف نگفته‌ایم. ثانیاً علاقه به انواع ادبیات سرگرم کننده و عامه پسند به سطح تحصیلات افراد که در دوره قبل از پرسترویکا یک عامل قوی ایجاد تمایز بود، ارتباطی ندارد. در سال‌های گذشته گردش کتابهای سبک عمدتاً بین افرادی جریان داشت که تحصیلات کمی داشتند و استفاده از این‌ها به ندرت در بین روشنفکران دیده می‌شد؛ در حالی که در حال حاضر این کتابها منبع مطالعه تمام گروه‌های اجتماعی هستند. دلیل چنین پدیده‌ای این است که در یک جامعه در حال تغییر، فرهنگ عامه نقش تثبیت کننده

رفته). انتشار فرهنگ عامه نشان دهنده تقویت موقعیت اجتماعی گروه‌های محافظه کاری است که دارای تحصیلات کمتر و عمدتاً سنتی هستند. دو جنبه از این فرآیند اهمیت خاصی دارد. نخست این که درخواست برای ادبیات عامه بسیار روشن و صریح است. خوانندگان، دیگر لزومی به وابسته نشان دادن خود به ادبیات سطح بالا احساس نمی‌کنند! بلکه بدون هیچ قیدی اظهار می‌کنند که نیاز به یک کتاب سبک برای سرگرمی و آرامش دارند. بنابراین اگر از شکل‌گیری هویت



جدول شماره ۲- توزیع پاسخها به پرسش: "امسال چه کتابهایی خریدید؟" (جمعیت شهری روسیه)

عناوین	درصد پاسخ‌دهندگان
داستانهای جنایی.....	۳۱
ادبیات کودکان.....	۲۸
داستانهای رمانتیک.....	۲۱
رمانهای تاریخی.....	۲۱
کتابهای مربوط به خانه و خانواده.....	۱۹/۲
داستانهای علمی - تخیلی.....	۱۸/۷
ادبیات اختصاصی.....	۹/۸
دایرةالمعارف‌ها و کتابهای مرجع.....	۸/۷
ادبیات مذهبی.....	۷/۴
درباره حیوانات.....	۷/۴
واژه‌نامه‌ها و دستنامه‌های زبانهای خارجی.....	۵/۵
مطالب علمی.....	۵/۴
پدیده‌های فوق‌طبیعی و فراروانشناسی.....	۵/۱
مطالب مربوط به مسایل جنسی.....	۵/۳
شعر.....	۴/۸
کتابهای سیاسی پر فروش و خاطرات چهره‌های سیاسی سابق.....	۴/۵
رمانهای ترسناک.....	۴/۲
کتابهای هنر.....	۳/۷
کتابهای مربوط به تجارت، مدیریت، مسایل مالی و قانون.....	۲/۴
ادبیات مربوط به مهاجرین روسی.....	۲/۵
کتابهای مربوط به آداب و رسوم فولکلوریک.....	۲/۸

می‌یابد و از سنت‌ها و اجزاء اصلی تمدن حمایت می‌کند. فرهنگ عامه در حال حاضر رفتار روزمره را در روسیه رمزگذاری می‌کند و به خاطر همین عملکرد خاصی است که ادبیات عامه‌پسند توسط اکثر مردم پذیرفته شده است. (۱۱)

الگوی رفتار مطالعه با محوریت فرهنگ عامه که شرح آن رفت تنها از دهه ۱۹۹۰ رشد یافته است. در آغاز پرسترویکا در دوره گورباچف فرآیندهای کاملاً بی‌سابقه و متفاوتی جریان یافت که احتمالاً هرگز تکرار نخواهد شد. در آن سال‌ها

تحریم‌های ایدئولوژیکی و سانسور برطرف شد و در یک دوره زمانی کوتاه تعداد زیادی از آثار ممنوع نویسندگان روسی و خارجی چاپ و تجدید چاپ شدند و مطالعه آزادانه کتاب‌هایی که قبلاً در اختیار داشتن یا رد و بدل کردن آنها تعقیب و احتمالاً زندانی شدن را به دنبال داشت، مقدور گردید. بسیاری از این آثار در مجلاتی که نشریات ادبی سنگین خواننده می‌شدند و معمولاً مخاطبین آنها روشنفکران بودند چاپ گردید. در اواخر دهه ۸۰ این نشریات مورد توجه عموم



قسمت اعظم تولیدات انتشاراتی را تشکیل می‌داد و عمده‌ترین خوراک مطالعاتی مردم بود، به کلی ترک کرده‌اند. در حال حاضر این ادبیات توسط افراد مسن جامعه که هنوز به ارزش‌ها و آرمانهای شوروی وفادار مانده‌اند مطالعه می‌شود. همراه با این تغییرات، موضوعات کاملاً جدیدی وارد دایره درخواست‌های خوانندگان شده است که کتاب‌های مربوط به تجارت، مدیریت، امور مالی، قانون، واژه‌نامه‌ها و دایره‌المعارف‌ها، کتابهای مرجع، دستنامه‌های زبانهای خارجی و غیره از آن جمله است. اینها گرانترین کتابها در بازار کتاب و عمدتاً مورد درخواست جوانها هستند؛ جوانهایی که می‌آموزند چگونه پول در بیاورند و نیز دعوی نقش رهبری در اصلاحات اقتصادی کشور دارند.

ویژگی خاص دیگر دوره اخیر درخواست برای ادبیات مذهبی و شبه‌مذهبی است؛ که آثار فلاسفه مذهبی روسیه، کتابهایی در زمینه مذاهب و فلسفه شرقی، فرا روانشناسی و سحر و جادو از آن جمله است. این زمینه از علایق توسط فلسفه ماتریالیستی مارکسیسم - لنینیسم کاملاً رد شده بود و اطلاعات اکثر مردم در این خصوص بسیار اندک بود. جستجوی اخیر برای یافتن چشم‌اندازی جدید به دنیا و گرایش به اخلاقیات عمدتاً در بین افرادی جریان دارد که مخالف مارکسیسم و ماتریالیسم تاریخی هستند.

در بحران کنونی ارزش‌ها، مفاهیمی مانند زندگی خصوصی، خانه، خانواده و فرزندان اهمیت خاصی یافته است. اینجاست که مردم تشنه یافتن امنیت اخلاقی و ایمان هستند. بخش اعظم پاسخ‌دهندگان به نظر سنجی‌های ما، به ارزش‌های خانه و خانواده اظهار وابستگی می‌کردند و تقاضای فزاینده برای ادبیات سالم و مناسب که در فهرست علایق خوانندگان به چشم می‌خورد، نشان‌دهنده همین وابستگی است.

علاقه به موضوعهایی مانند محیط‌زیست، ادبیات روسی در کشورهای خارجی، کتابهایی در زمینه آداب و رسوم مردم و سنت‌های فولکلوریک، فیلم سازی و غیره نیز اخیراً وارد دایره علایق خوانندگان روسی شده است. البته علاقه به این نوع منابع غیرسنتی زیاد وسیع نیست و تقریباً ۱۰ درصد از جامعه نمونه را شامل می‌شود؛ با این حال وجود همین چند درصد نشان‌دهنده پدیده‌های مهم و قابل توجهی است. اول این

قرار گرفتند و همه گروه‌های فرهنگی و حتی آنهایی که به ندرت مطالعه می‌کردند به طور یکپارچه به مطالعه آنها روی آوردند. حق‌اشتراک این مجلات از ۸۰ الی ۱۳۵ درصد افزایش یافت و این پدیده انفجار مجلات نام گرفت. انتشار هر شماره جدید هیجان خاصی می‌آفرید؛ خواننده بدون تأمل و با بی‌قراری از یک اثر به اثر دیگر روی می‌کرد. این ترس که آزادی جدید ممکن است کوتاه‌مدت باشد مردم را بر آن می‌داشت که با شتاب، منابعی را که احتمال داشت به زودی دوباره دست نیافتنی گردد، هضم و جذب کنند. برای اولین بار کتاب‌هایی از جوامع فرهنگی مختلف، از رمان‌ها و نوشته‌های ولادیمیر نابکوف^{۲۱} تا رمانهای ماریو پوزو^{۲۲} و استفان کینگ^{۲۳} همه با هم وارد چرخه مطالعاتی خوانندگان گردیدند (۱۲)؛ لیکن بسیاری از این آثار کلاسیک "کهن ولی نو" در قلمرو مطالعه توده مردم دوام نیاوردند. آموزش ادبی در اتحاد جماهیر شوروی ناقص و بی‌تناسب بود. برنامه درس ادبیات نه تنها شامل آثار نویسندگان بزرگ روسیه و ادبیات خارجی نبود، بلکه تمام زمانها و زمینه‌ها را هم در بر نمی‌گرفت. خوانندگان اواخر دهه ۸۰ قادر نبودند ادبیاتی را که به تازگی به آن دست یافته بودند در یک زمینه فرهنگی - تاریخی قرار دهند. حافظه فرهنگی آنها بسیار محدود بود. علی‌رغم سیل مداوم انتشارات، توده خوانندگان به زودی دریافته‌اند که این ادبیات آنها نیست. انتشارات جدید (مثل آثار سولژنیتسین)^{۲۴} خواننده‌ای نیافت. مردم که از راهنمایی فرهنگی و ابزار فرهنگی مناسب برای انتخاب محروم بودند، کورکورانه در حالی که مدل‌های ادبی مختلف را می‌آزمودند ادبیات و مطالعه سرگرم‌کننده را با خود سازگار یافتند. (۱۳) البته ظهور ادبیات روشنفکرانه در اواخر دهه ۸۰ چندان هم بی‌تأثیر نبود؛ زیرا این تجربه سبب شد و سواست‌های جامعه سیاسی و ایدئولوژیکی برطرف شود و دید فرهنگی خوانندگان ادبیات عامه وسعت یابد.

آسازی که در مورد علایق خوانندگان درخصوص موضوعات، انواع و دوره‌های ادبی به دست می‌آید، نشان دهنده دگرگونی‌های دیگری نیز هست که در دهه ۹۰ به وقوع پیوسته است. خوانندگان، آثار مربوط به جنگ جهانی دوم، داستانهای حماسی چند جلدی، رمانهای مربوط به طبقه کارگر و مزارع اشتراکی و تمام زمینه‌هایی را که در طی دوره شوروی



واقعیت که در حوزه مطالعه، نوگرایی فرهنگی به وقوع پیوسته است. دوم این که نقش کاربردی مطالعه تقویت شده و پدیده سوم این که این گروه‌های جدید هویت مشخصی برای خود یافته‌اند. آنها ارزش‌ها و علایق خود را هر چه فعال‌تر اظهار می‌دارند و اثر خویش را بر کل فرآیند فرهنگی برجای می‌گذارند.

اطلاعات مربوط به توزیع نشریات ادواری نیز وجود این گرایش‌ها را تأیید می‌کند. در سالهای اولیه پس از فروپاشی شوروی، نه تنها علاقه به مجلات ادبی افزایش یافت، بلکه توجه به نشریات ادواری به طور کلی فزونی گرفت. این امر نمودی از سیاسی شدن سریع جمعیت بود. نظر سنجی‌های جامعه‌شناختی آن دوره نشان می‌دهد که علاوه بر داستانهای مجلات، مقالاتی در زمینه‌های ذیل برای خوانندگان جذابیت داشت:

بوروکراسی و ساختار و خصوصیات قدرت، نتایج اجتماعی کنترل بوروکراتیک، اشکال کنترل بر بوروکراسی، سازوکارهای سیاسی دموکراسی (۴۰/۵ درصد از پاسخ دهندگان)؛ وضعیت اقتصادی و انواع مدل‌های اقتصادی (۱۶/۵ درصد)؛ استالین به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و روانشناختی، سرکوب و ترور در شوروی (۱۰/۴ درصد)؛ موضوع کلی پرسترویکا (۷/۵ درصد)؛ تاریخ و فرآیندهای اجتماعی، وضعیت حال و گذشته کشور (۵/۴ درصد) (۱۴).
در اوایل دهه ۹۰ علاقه به نشریات همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، سریعاً روبه کاهش نهاد. کاهش سریع و مداوم اشتراک نشریات ادواری به گفته‌ای به سبب افزایش قیمت آنها بوده است که این نشریات را برای افراد عادی دست نیافتنی می‌کرد. بدون شک این موضوع تا حد زیادی واقعیت دارد؛ ولی دو عامل اساسی دیگر نیز در کار است: نخست بی‌علاقگی سیاسی فزاینده همراه با کاهش انتظاراتی که برای انتقال آسان به یک جامعه شکوفای دموکراتیک وجود داشت. دوم، نیاز گروه‌های فرهنگی و سیاسی جدید به انتشارات خاص خود. این نکته حائز اهمیت است که همراه با کاهش اشتراک نشریات ادواری موجود، افزایش اشتراک نشریات ادواری تازه تأسیس شده، مشاهده می‌گردد. تعداد آنها در ۱۹۹۲ اندکی کاهش یافت؛ با این حال هنوز از سطح ۱۹۸۰ و نیز ۱۹۹۰ بالاتر بود (جدول شماره ۴). (۱۸)

همراه با گرایش خوانندگان کتاب به ادبیات و فرهنگ توده، فرآیند تخصصی شدن علایق خوانندگان نشریات ادواری نیز در حال شکل‌گیری است. به جای تعدادی مجله و روزنامه که بخش عمده خوانندگان را مخاطب قرار دهد، آنگونه که در زمان شوروی و در سالهای اولیه پس از فروپاشی معمول بود، اینک همه روزه عناوین متنوع و جدیدی برای جذب خوانندگان خاص منتشر می‌شود. این عناوین گروه‌های جدید روشنفکر را مخاطب قرار می‌دهند که جانشین نخبگان سیاسی و فرهنگی سابق هستند. این فرآیند نشان می‌دهد که جامعه روسیه هنوز وضع ثابتی به خود نگرفته و در حال رشدی تدریجی است؛ و به شکلی ناهمگون به صورت مجموعه‌ای از گروه‌ها، ارزش‌ها و فرهنگ‌های متفاوت، خود را باز می‌یابد.

سازمان و اشاعه فرهنگ

در حال حاضر نظام متمرکز مدیریت فرهنگی که در اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت، کاملاً از هم پاشیده است. این نظام که در سالهای اولیه بعد از تحولات ۱۹۱۷ استقرار یافت تا زمانی قادر به عملکرد بود که بخش عمده‌ای از جمعیت، بی‌سواد و تعلیم نیافته بود و هدف اصلی استراتژی فرهنگی دولت در گسترش سواد خلاصه می‌شد. با توسعه جامعه شوروی و بالارفتن سطح آموزش در جامعه، انحصار دولتی شروع به ایجاد خفگان فرهنگی نمود. هدف اصلی استراتژی کتاب در شوروی یکی کردن نیازهای مطالعه بود. کنترل مطالعه در حلقه اول در مؤسسات انتشاراتی در فرآیند تصمیم‌گیری در مورد این که چه عناوینی ممکن است به وسیله سانسور و سایر ساختارهای دولتی تأیید گردد، اجرا می‌شد. این دیکتاتوری ایدئولوژیک و فرهنگی به ناهماهنگی عظیمی بین عرضه و تقاضا یعنی بین تولید کتاب و نظام‌های توزیع از یک سو و نیازهای واقعی خوانندگان از سوی دیگر، انجامید. از این رو در اوایل دهه ۱۹۸۰ هشتاد درصد ادبیات سیاسی - اجتماعی موجود در کتابخانه‌های عمومی هیچ تقاضایی از سوی استفاده‌کنندگان نداشت. در عین حال تقاضای استفاده‌کنندگان برای انواع دیگر ادبیات در ۴۰ الی ۸۰ درصد موارد بسته به نوع و موضوع آن، برآورده نمی‌گردید. از بین رفتن انحصار دولتی در نشر کتاب و لغو سانسور



جدول شماره ۳

سال	اشتراک مجلات در یک سال (در هزاران نسخه)	اشتراک روزنامه ها در یک سال ^(۱۵) (در هزاران نسخه)
۱۹۹۰	۲۶۸۷۱۰۲	۳۷۸۴۸۵۵۶
۱۹۹۱	۱۴۸۳۶۷۴	۲۷۳۰۳۵۹۶
۱۹۹۲	۷۱۳۹۵۸	۱۸۳۲۴۶۹۹
۱۹۹۳	۲۹۰۴۲۹	۹۱۹۶۲۰۸
مطالعه کنندگان مرتب روزنامه ۳۰ درصد افزادی که روزنامه مطالعه نمی کنند ۲۵ درصد (۱۰۰ درصد = نمونه گیری ملی از روسیه) (۱۶).		
افزادی که مشترک هیچ روزنامه ای نیستند ۱۹۹۰ ۱۲ درصد ۱۹۹۱ ۱۵ درصد ۱۹۹۳ ۳۰ درصد ۱۹۹۴ ۴۲ درصد (۱۰۰ درصد = نمونه گیری ملی از روسیه) (۱۷).		

تولید کتاب است. اطلاعات مندرج در جدول شماره ۶ این امر را تأیید می کند. (۲۰)

بیشترین کاهش در تبلیغات سیاسی - ایدئولوژیکی مشاهده می شود. در روسیه پس از شوروی، این ادبیات ایدئولوژیک که قبلاً بخش عمده تولیدات کتاب را تشکیل می داد، مصرفی نداشت؛ و تعداد کتابها و بروشورها از این نوع، در سال ۱۹۹۳ نسبت به سال ۱۹۸۰ تا ۹۰ درصد کاهش یافت. در عین حال بخش وسیعی از مجموعه های کتابخانه های عمومی که از این نوع نوشته ها تشکیل می شد و به مدت چندین دهه بلااستفاده بر روی هم انباشته شده بود،

ضمن ایجاد فرصت های جدید برای بازار کتاب، برای خوانندگان نیز امکانات زیادی جهت انتخاب فراهم نمود. در طی سالهای نخست پرسترویکا شبکه ای از شرکت های انتشاراتی مستقل شروع به رشد کرد. تا سال ۱۹۹۳ تعداد آنها به ۵۰۰۰ رسید و یک پنجم کتابهای چاپ شده در روسیه توسط همین انتشارات مستقل نشر می گردید. با این حال در همین دوره اخیر کاهش سریعی در تولید کتاب روی داد (جدول شماره ۵). (۱۹) این کاهش آشکار اساس شایعاتی است که از بحران شدید و زوال فرهنگ کتاب خیر می دهد. اما در واقع آنچه که ما شاهد آن هستیم سازمان یابی مجدد بخش

جدول شماره ۴

سال	تعداد عناوین مجلات	تعداد عناوین روزنامه ها
۱۹۸۰	۹۵۴	۴۴۱۳
۱۹۹۰	۱۱۴۰	۴۸۰۸
۱۹۹۱	۱۳۰۱	۲۸۶۳
۱۹۹۲	۱۲۸۷	۴۸۳۷
۱۹۹۳	۱۳۸۵	۴۶۵۰





به صورت بار بی‌مصرفی در آمد که بر دوش کتابخانه‌ها سنگینی می‌کرد.

بخش دیگری از تولیدات کتابخانه‌ها که کاهش یافته است، تولید مطالب علمی و فنی است که ۵۱ تا ۸۳ درصد نسبت به سال ۱۹۸۰ کاهش نشان می‌دهد. این پدیده، نتیجه فرآیندهای هشدار دهنده‌ای است که اخیراً در روسیه جریان دارد. از آن جمله وضعیت نابسامان علم که اینک تقریباً به کلی از حمایت مالی دولت محروم شده، تعطیل مراکز عمده علمی و فنی به دلیل محدودیت‌های مالی، مهاجرت دانشمندان و متخصصین، بحران اقتصادی و متوقف شدن طرح‌های بزرگ صنعتی را می‌توان ذکر کرد. امروزه گردش محدود مطالب فنی که گروه خاصی از خوانندگان مخاطب آن هستند، سودآور نیست و ناشرین معمولاً به این بخش نمی‌پردازند؛ به طوری که در سال ۱۹۹۳ تعداد عناوین مربوطه تا ۴/۳۰ درصد در مقایسه با سال ۱۹۹۱ و ۴۰ درصد در مقایسه با تولید کلی کاهش داشته است. در همین دوره زمانی، تولید ادبیات کودکان و ادبیات عامه پسند به خصوص داستانهای تخیلی افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. بررسی تطبیقی لیست ناشرین در اوایل پرسترویکا (۱۹۸۴) و لیست ناشرین در ۱۹۹۳ نشان می‌دهد که زمینه‌های موضوعی افزایش یافته تقریباً به طور کامل با آمار تقاضای خوانندگان مطابقت می‌کند. (۲۱) جایگاه نخست متعلق به عنوانهایی است که در دوره شوروی به ندرت منتشر می‌شد و یا به کلی نایاب بود. این عناوین شامل ادبیات عامه (قصه‌های رمانتیک، داستانهای جنایی و علمی) با ۲۵ - ۱۵ برابر افزایش؛ داستانهای تاریخی تا ۲/۵ برابر افزایش؛ موضوع تجارت و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری ۶ برابر؛ کتابهای مربوط به خانه و خانواده ۴ برابر؛ موضوع حیوانات اهلی ۷ برابر و کتابهای مربوط به شیوه رفتار و تعادل شخصی تا ۲/۵ برابر افزایش بوده است.

افزون بر این، زمینه‌های کاملاً جدیدی ظهور کرد که سیستم تولید کتاب شوروی به کلی فاقد آن زمینه‌ها بود که ادبیات روسی خارجی از کشور، ادبیات مذهبی و شبه مذهبی، داستانهای اسرارآمیز، داستانهای ترسناک و کتابهای مربوط به سکس از آن جمله است. در همین دوره زمانی کاهش ناگهانی در تولید عناوین کلاسیک روسی، کتابهای تاریخی به خصوص تاریخ دوره شوروی و همچنین کتابهای

فلسفی به دلیل کاهش مطالب مربوط به فلسفه مارکسیستی مشاهده می‌گردد. همچنین ترجمه از زبانهای جمهوری‌های شوروی سابق نیز به کلی متوقف می‌شود.

در ابتدای لغو کنترل دولتی بر انتشارات و بازار کتاب، این تصور وجود داشت که بازار سرانجام خواهد توانست به خودی خود تنظیم شود و به نحوی هماهنگ رشد یابد. و در این فرآیند مداخله دولت زیان‌آور است. در حالی که اینک چنین به نظر می‌رسد که برخی از مشکلات عمده اجتماعی بدون همکاری ساختارهای دولتی قابل حل نیست. مثالی برای این مشکلات نزول انتشارات علمی و تخصصی است که بدون چنین انتشاراتی علم و فن‌آوری که کشور برای تجدید حیات اقتصادی بدان متکی است رو به زوال خواهد گذاشت. علی‌رغم اظهارات سیاستمداران در زمینه لزوم حمایت فرهنگی، هنوز برنامه‌ای برای توسعه فرهنگی و یا سیاست فرهنگی از سوی دولت وجود ندارد و برنامه‌های فدرال نشر کتاب از نظر مالی به نحو شایسته‌ای حمایت نمی‌شوند. ضعف اجرایی دولت نه این امکان را می‌دهد که سازمانهای فرهنگی سنتی قابل دوام از فروپاشی حفظ شوند و نه توان تأمین نوآوری‌های فرهنگی را دارد. از این‌رو الگوهای قدیمی و جامد مدیریت هنوز حکمفرماست.

کتابخانه به عنوان یکی از سازمانهای تحت حمایت دولت از این ناتوانی به خوبی آگاه است. سیستم واسپاری که اساساً بر پایه مدیریت متمرکز فرهنگی بنا شده بود، در شرایط جدید از هم پاشیده است. قوانین واسپاری تنظیم شده در اتحاد جماهیر شوروی با نشر تجاری جدید، انتشارات غیررسمی، نشر مؤلفان یا انتشارات جمهوری‌های سابق شوروی قابل انطباق نیست. این انتشارات به کتابخانه‌های عمده تحقیقاتی ارائه نمی‌شوند و توسط خدمات کنترل کتابشناختی دولتی ثبت نمی‌گردند؛ و از این رو در کتابشناسی‌های ملی و بین‌المللی هم وارد نمی‌شوند.

کتابخانه‌های عمومی با مشکلات جدی مواجه هستند. اولاً سیستم مطمئن گردآوری متمرکز منابع از میان رفته است. توزیع‌کنندگانی که تهیه کتاب برای کتابخانه‌ها را به عهده داشتند از بازار کتاب دور افتاده‌اند زیرا شرکت‌های انتشاراتی تجاری جدید شبکه بازرگانی خود را دارند که نه با کتابخانه‌ها در ارتباط است و نه با توزیع‌کنندگان کتاب برای کتابخانه‌ها





جدول شماره ۵

سال	تعداد کتابها و بروشورها	فروش (در هزاران نسخه)	تعداد کتابها و بروشورها به ازای هر ۱۰۰ نفر
۱۹۹۰	۴۱۲۳۴	۱۵۵۳۰۹۶/۳	۱۰۴۷
۱۹۹۱	۳۴۰۵۰	۱۶۲۹۹۶۰/۳	۱۰۹۶
۱۹۹۲	۲۸۷۱۶	۱۳۱۲۹۶۴/۳	۸۸۳
۱۹۹۳	۲۹۰۱۷	۹۴۹۸۶۰/۸	۶۴۰

جدول شماره ۶

تعداد عناوین کتابها و بروشورها	۱۹۸۰	۱۹۹۳	درصد از ۱۹۸۰
سیاسی	۲۵۱۲	۲۵۷	۱۰/۲ (-۹۰)
علمی	۱۰۲۴۸	۵۰۶۴	۴۹/۴ (-۵۱)
علمی برای استفاده عموم	۱۳۸۵	۱۷۲۰	۱۲۴ (+۲۴)
فنی	۱۶۴۲۲	۳۲۲۱	۱۷ (-۸۳)
آموزشی	۵۶۳۹	۴۲۱۱	۷۴/۶ (-۲۵/۴)
داستانهای تخیلی	۲۹۷۷	۵۷۳۶	۱۹۲/۶ (+۹۲/۶)
ادبیات نوجوانان	۱۸۵۳	۱۸۹۷	۱۰۲/۳ (+۲/۳)
مرجع	۱۸۳۸	۱۷۵۸	۹۵/۶ (-۴/۴)



این توزیع‌کنندگان در حال حاضر ارائه‌کننده منابعی هستند که فروشی در بازار آزاد ندارند. مشکل دوم مقررات مالی است که فعالیت مؤثر کتابخانه‌ها را محدود می‌کند و امکان تهیه انتشارات جدید در زمینه ادبیات عامه را که مورد تقاضای خوانندگان است به آنها نمی‌دهد. سوم این که بازار کتاب فاقد منابع اطلاعاتی برای راهنمایی کتابخانه‌ها در میان سیل تولیدات انتشاراتی است؛ و حتی یک کاتالوگ جامع تجاری برای کتاب وجود ندارد. افزون بر این شرکت‌های پرتحرک نشر تجاری برنامه‌های سالانه‌ای برای نشر ندارند و برنامه‌های شرکت‌های انتشاراتی دولتی نیز به طور کامل به اجرا در نمی‌آید. مشکل چهارم این است که اکثر سازمان‌های انتشاراتی هنوز در شهرهای بزرگ و عمدتاً در مسکو و سنت پترزبورگ مستقر شده‌اند. و با توجه به افزایش نرخ پست که غالباً بالاتر از قیمت خود کتابهاست، توزیع به شهرستانها تقریباً فلج شده است که این امر به ناهماهنگی وسیعی در مجموعه‌های شهرهای بزرگ و شهرستانها منجر می‌شود. به گفته یکی از پاسخ‌دهندگان به نظرخواهی بازار کتاب آنها در مسکو خلاصه شده است. و این مسئله کتابخانه‌های نواحی مختلف روسیه را در شرایطی نابرابر قرار داده است.

تمامی این شرایط به کاهش ۳۰ تا ۴۰ درصدی میزان گردآوری شده در کتابخانه‌های عمومی در چند سال اخیر انجامیده است و سبب شده که قیمت کتابهای خریداری شده در سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۲ تقریباً پنج تا شش برابر و قیمت داستانهای تخیلی ۱۲ تا ۱۳ برابر افزایش یابد. (۲۲) این مشکلات تنها به سازمانها مربوط نمی‌شود. ناهمخوانی میزان اطلاعات مورد درخواست با منابع موجود در کتابخانه‌های عمومی می‌تواند موجب شود که کتابخانه‌ها قادر به انجام وظیفه عمده اجتماعی خود یعنی انتقال ارزش‌های فرهنگ متعالی نباشند.

در حال حاضر راه حل بسیاری از مشکلات بستگی به هیأت‌های خودگردان محلی و مدیریت در سطح شهر و ناحیه دارد. غیر متمرکز شدن سازمان‌های دولتی و رد اصل تمرکز در اداره بخش فرهنگی در روسیه به معنی برداشتن گام مهمی به پیش است. مدرنیزه کردن یکپارچه کشور به دلیل ویژگی چند ملیتی و به سبب تفاوت‌های قومی، آیینی، فرهنگی و تاریخی نواحی مختلف امکان‌پذیر نیست. تمرکز زدایی این امکان را

برای کتابخانه‌ها فراهم می‌کند که براساس نیاز جامعه‌ای که به آن خدمت می‌کنند ماهیت و شکل فعالیت خود را تعیین کنند. کتابداری در عین حال که نظامی یکپارچه است می‌تواند به شکل حرفه‌ای چند چهره با تنوع‌های منطقه‌ای و محلی درآید. سیستم قابل انعطافی که با نیازهای جمعیت منطقه سازگاری داشته باشد. تجربه برخی کشورهای توسعه یافته نشان داده است که کنترل محلی بر کتابداری و کتابخانه‌ها مسایل و مشکلات خاص خود را دارد (۲۳). لیکن کتابخانه‌های روسیه هنوز در آغاز راه هستند و هشدار همکاران امریکایی آنها که "اشتباهات ما را تکرار نکنید" به موقع و بجاست. اگر به این هشدار توجه شود مسیر تحول برای کتابخانه‌های روسیه کوتاه‌تر و آسان‌تر خواهد بود (۲۴).

نتیجه‌گیری

تغییرات وسیعی که در حوزه کتاب و کتابداری بیان گردید از نظر برخی کتابداران، ناشران و کارگزاران به عنوان یک فاجعه فرهنگی، اضمحلال فرهنگ و بازگشت به دوران بوبریت و زوال فرهنگ کتاب در روسیه تلقی می‌گردد. این نظریات در خارج از چرخه حرفه‌ای نیز انتشار یافته و گاهگاهی در شعارهای حزبی محافظه‌کارترین گروهها نیز شنیده می‌شود. چنین اظهاراتی البته ارزیابی‌های منطقی از موقعیت فرهنگی نبوده، مظهري از نارضایتی موجود در جامعه است. سقوط استانداردهای زندگی و عدم توانایی کلی جمعیت به سازگاری با محیط پرتحرک و پیچیده، این نیاز را در آنها به وجود می‌آورد که در پشت این ناآرامی زوال و تباهی بینند. این نیز به نوبه خود به افزایش خشونت در جامعه می‌انجامد که تابعی از شکاف‌های فرهنگی میان نسل‌ها و افزایش اضطراب ناآرامی، خرافات و ترس در چهره حال و آینده است. عقاید کلیشه‌ای در مورد شرایط کنونی فرهنگ و جهان کتاب انعکاس عدم اطمینان عمومی و حتی حرفه‌ای درباره خصوصیات یک جامعه مطلوب است و نیز از عدم درک فرآیندهای جاری و راه‌حل‌های ممکن ناشی می‌شود.



(Moscow, 1994, pp. 42-44).

19. Ibid, p. 6.

20. *Rasschitano Po dannym gosydarstvennoi statistiki: Pechat' Rossiiskoi Federatsii v 1993 g: Statisticheskii sbornik* [Calculations on the Basis of State Statistics: Printing in the Russian Federation in 1993]. (Moscow, 1994, pp. 42-44).

21. Reitblat, A. I. "Izdatel'skii Repertuar: Krizis ili vozvrashchenie k norme?" [Publishers' Lists: Crisis or Return to Normal?] *Knizhnoe delo* Vol., 3 No. (9), 1994, pp. 13-14.

22. Tolchinskaia, L. M. and Isaev, I U. V. "Knigosnabzhenie bibliotek v usloviakh rynka: analiz protsessov i tendentsii" [Library Book Provision under Market Conditions: Analysis of Trends and Directions], in *Novoe U politike Komplektovaniia bibliotek* (Moscow, 1992, P.3).

23. Richards, P.S. "Ne povtorite nashikh osbibok" : Preduprezhdaiut Kollegi iz SSHA*, ["Don't repeat our mistakes" Warn Colleagues from the USA], *Biblioteka* (No.5, 1994, pp. 10-15).

24. Idem.

منابع

1. Stelmakh, V. "Reading in Russia: Findings of the Sociology of Reading and Librarianship Section of the Russian State Library", *International Information and Library Review* (Vol. 25, No. (4), 1993, pp. 273-279).

2. Dubin, B. V., and Reitblat, A. I. "O strukture i dinamike sistemy literaturnykh orientatsii zhurnal'nikh retsenzentov 1820-1978 gg" [On the structure and dynamics of the system of literary orientation of literary critics 1820-1978], in *Kniga i chtenie V zerkale colsologii.* (Moscow, 1990, pp. 150-176).

3. *Kniga i chtenie V zhizni nebol'shikh gorodov. Po materialam issledovaniia chteniia i chitatei'skikh interesov* [The Book and Reading in the Life of Small Cities: Based on Research Data on Reading and Reader Interests]. (Moscow, 1973, p. 283).

4. Gordon, L. A., and Klopov, E. V. *Chelouek posle raboty* [People after Work]. (Moscow, 1972, p. 158).

5. Iakimov, G. R. "Chtenie kak sovmeshchennoe zaniatie" [Reading as a combined occupation], in *Chtenie v vashei zhizni.* (Moscow, 1988, P. 47).

6. Ibid, p. 49.

7. Stelmakh, V. D. "Chitatei' khudozhestvennoi literatury" [The Reader of Fiction], in *Kniga i chtenie v zhizni nebol'shikh gorodov.* (Moscow, 1973, P. 78).

8. *Sovetskii chitatei'. Opyt konkretno-sotsiologicheskogo issledovaniia* [The Soviet Reader: Results of Sociological Research]. (Moscow, 1968, pp. 257, 318, 329).

9. *Chtenie v vashei zhizni. Po itogam sotsiologicheskogo issledovaniia v gorodakh RCFRCR* [Reading in your Life. The Results of Sociological Research in the Cities of the Russian Federation], (Moscow, 1988, pp. 20-21).

10. "Ekonomicheskie i sotsial'nye peremeny: Monitoring obshchestvennogo mneniia" [Economic and Social Change: Monitoring Public Opinion], *Informatsionnyi biulleten'* (1 January 1993, P. 73).

11. Ibid, P. 24.

12. G. Jakimov. "Le comportement des lecteurs pendant la perestroika. Regards Europeens" [Reading during Perestroika: a European View]. *Le Lecture de L'Est en Ouest.* (Paris, 1993, P. 15).

13. Ibid, p. 20.

14. Gudkov, L. and Dubin, B. "Raznost' potentsialov" [Potential Difference], *Druzhiba narodov* (No. 10, 1988, p. 212).

15. *Pechat' Rossiiskoi Federatsii v 1993 godu. Statisticheskii sbornik* [Printing in the Russian Federation in 1993: A statistical collection]. (Moscow, 1994, pp. 81, 90).

16. "Ekonomicheskie i sotsial'nye peremeny: Monitoring obshchestvennogo mneniia" [Economic and social change: Monitoring public opinion], *Informatsionnyi biulleten'* (1 January 1994, p. 21).

17. Ibid, p. 20.

18. *Pechat' Rossiiskoi Federatsii v 1993 godu: Statisticheskii sbornik* [Printing in the Russian Federation in 1993].

یادداشتها

1. Stelmakh, V.D. Russian Reading in a Period of Social and Cultural Change. *The International Information and Library Review.* 27 (March 1995): 7-23.

۲. دانشجوی دکتری کتابداری دانشگاه آزاد

3. All - Russian Center on Studies of Public Opinion.

4. F. Dostoevsky

5. A. Chekhov

6. L. Tolstoy

7. M. Bulgakov

8. T. Dreiser

9. W. Scott

10. M. Read

11. G. Sand

12. A. Pushkin

13. M. Lermontov

14. D. H. Chase

15. A. Christie

16. A. Dumas

17. S. Golon

18. A. Barrows

19. C. Mccallow

20. M. Mitchell

21. Vladimir Nabokov

22. Mario Puzo

23. Stephen King

24. A. Solzhenitzyn